

نشریه علمی- پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی (دانشگاه تبریز)، سال 16، شماره 39، بهار 1391، صفحات 51-72

تاریخ پذیرش نهایی: 1389/406

تاریخ دریافت: 1388/925

بررسی روند تغییرات کالبدی روستاهای خوابگاهی^۱ (بررسی موردی: روستاهای حوزه نفوذ کلانشهر تبریز)

محمد ظاهری^۲

چکیده

در دهه‌های اخیر رشد شتابان شهرنشینی و نیز وجود تأثیرات متقابل فضایی و روابط عملکردی بین کلان شهرها با نواحی پیرامونی، موجبات تغییرات عمده‌ای در جوامع و بالاصح عرصه‌های روستایی حوزه نفوذ آنها گردیده است. تغییر ساختارهای کارکردی و کالبدی از جمله آنهاست. وجود مشکلات و معضلات عدیده در کلانشهرها (اعم از گرانی زمین و مسکن، آلودگی بیش از حد هوا و...) به عنوان عوامل دافعه و در مقابل ارزانی زمین و مسکن، هوا و محیط سالم و... در مناطق روستایی به عنوان عوامل جاذبه‌دار این امر تأثیرگذار بوده‌اند. تحقیق حاضر که عمدتاً بر تغییرات کالبدی روستاهای خوابگاهی تأکید دارد، از نوع کاربردی و توسعه‌ای بوده و روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی می‌باشد. شالوده مطالعه مبتنی بر مطالعات میدانی است و جهت به تصویر کشیدن تغییرات، از تصاویر ماهواره‌های چندزمانه‌ای سنجنده TM و ETM+ مربوط به سالهای 1366 و 1382 بهره گرفته می‌شود.

نتایج بررسی نشان می‌دهد که تغییرات کالبدی قابل توجهی در روستاهای خوابگاهی مورد مطالعه بوقوع پیوسته است. از بین رفتن زمینهای زراعی و باغات به نفع دیگر کاربریها و بالاصح کاربری مسکونی از تبعات منفی این تغییرات بوده است. در ضمن نحوه گسترش فیزیکی کلانشهر تبریز حکایت از گسترش آن به جانب روستاهای مورد مطالعه و بویژه روستاهای کرکج، نعمتآباد و کجاآباد دارد. در کل از آنجایی که تمامی این تحولات خودجوش و بدون برنامه‌ریزی صورت گرفته است، به نظر می‌رسد که در سالهای آتی روستاهای مورد مطالعه در صورت تداوم روند کنونی، دچار مشکلات و از آن جمله مشکلات زیست محیطی بیشماری گردند.

واژگان کلیدی: روستاهای خوابگاهی، تغییرات کالبدی، کلانشهر تبریز.

۱- مقاله حاضر در چارچوب طرح تحقیقاتی: «سیر تحول روستاهای خوابگاهی کلانشهر تبریز» که با اعتبار دانشگاه تبریز اجرا و نگاشته شده است.

۲- استادیار مرکز پژوهشهای جغرافیایی، دانشگاه تبریز.

Email: zaheri@tabrizu.ac.ir.

مقدمه

با گرایش روز افزون شهرنشینی، توجه به مسایل فضایی، تدارکات و چگونگی شکلگیری آنها، همچنین ارتباط با محیط اطراف و روستاها از اهمیت شایانی برخوردار گردیده است (رضوانی 1382). به طور کلی وجود ارتباط متقابل و تنگاتنگ بین شهرها و روستاها سبب گردیده تا توجه به مناطق روستایی و مخصوصاً روستاهایی که در حوزه نفوذ کلانشهرها قرار گرفته‌اند، بیش از پیش گردد. چرا که کلانشهرها به جهت برخورداری از کارکردهای بسیار متعدد دارای روابط و پیوندهای قوی با نواحی پیرامونی و بالاخص روستاهای حوزه نفوذ خود بوده و این ارتباط تأثیرات عمیقی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی آنها بر جای میگذارد. و بر این اساس است که امروزه، شهرسازان مطالعات خود را منحصرأ روی فضای ساخته شهرها انجام نمیدهند بلکه بررسی خود را به سوی روستاهایی که زیر آوارهای شهر به سادگی خرد و سپس بلعیده می‌شوند، گسترش می‌دهند (Bonnamour, 1973: P. 25).

در کشور ما، روستاهای پیرامونی کلان شهر تهران، اولین روستاهایی بودند که تحولات و دگرگونیهای وسیعی را که عمدتاً متأثر از گسترش شهر تهران بود، تجربه کردند (رهنمایی 1369: 27). شهر تبریز نیز همانند کلانشهر تهران می‌رود تا تأثیرات عمیقی به لحاظ جمعیتی، کارکردی و کالبدی بر نواحی روستایی پیرامون خود داشته باشد. ناگفته پیداست که از تبعات این امر، رشد بیرویه و غیراصولی کالبدی آنها به بهای از میان رفتن زمینهای زراعی، فضا های سبز و اختصاص آنها به کارکردهای مسکونی، تجاری و خدماتی مورد نیاز جمعیت روزافزون، می‌باشد. بدیهی است اینگونه روستاها، در صورت عدم برنامه‌ریزی و نیز عدم اقدامات پیشگیرانه، همانند مناطق حاشیه‌نشین فعلی تبریز، با مسایل و مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهند شد.

در مقاله حاضر برای بررسی و تبیین چگونگی این تغییرات و عوامل تأثیرگذار بر آنها، پنج روستا از روستاهای خوابگاهی حوزه نفوذ کلانشهر تبریز به عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار میگیرند. به تصویر کشیدن دگرگونیهای کالبدی آبادیهای خوابگاهی و نیز به

دست آوردن شناخت دقیق و علمی در خصوص چگونگی این تغییرات از مهمترین اهداف مطالعه به‌شمار می‌رود و فرض بر این است که:

1- تغییرات کالبدی روستاهای مورد مطالعه، با قبول عملکرد خوابگاهی آنها در ارتباط می‌باشد.

2- نحوه گسترش کالبدی روستاها، عمدتاً زمین‌ه‌ساز ادغام آنها در کلانشهر تبریز است.

سابقه علمی تحقیق

نظر بر اینکه شکلگیری آبادیهای خوابگاهی، ارتباط تنگاتنگی با نواحی شهری دارد، لذا مطالعات صورت گرفته در این زمینه نه به صورت مجرد بلکه در قالب بررسی روابط متقابل عملکردی شهر و روستا انجام پذیرفته است و بر این اساس، در برخی از مطالعات صورت گرفته، جست و گریخته به موضوع تغییرات کارکردی سکونتگاههای واقع در پیرامون شهرها و از آن جمله آبادیهای خوابگاهی¹ پرداخته شده است. از جمله این مطالعات، میتوان به مقالاتی چون: «توسعه تهران، دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف» (رهنمایی، 2453:1369) و «گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرکهای اقماری» (نظریان، 97139:1370) اشاره نمود که بر تأثیر بیچون و چرای گسترش فضای فیزیکی و نیروی انسانی شهر تهران در روستاهای حوزه ن-فوذ تأکید دارند و گسترش انفجارگون-ه و لجامگسیخته شهر تهران را سبب نابودی روستاهای اطراف و از بین رفتن فضای زیستی آنها قلمداد میکنند. «گسترش شهر اصفهان» (هدایت، 267285:1364)، مقاله دیگری است که به رشد شتابزده شهر اصفهان بعد از سال 1340 اشاره دارد. و بیانگر این است که این رشد بیضابطه، ضمن تخریب زمینهای کشاورزی و حاصلخیز و باغهای مشجر اطراف شهر، به تدریج مشکلات عدیده‌ای را به شهر اصفهان تحمیل نموده است. مؤلف مشکلات حاصل را نشأت گرفته از طرح جامع شهر و ناهماهنگیهای موجود در مراحل اجرایی آن قلمداد کرده است. مقاله دیگر در این زمینه با عنوان «گسترش فیزیکی - کالبدی

1- Dormitory settlement

سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر افزایش جمعیت و تغییر کاربری اراضی» (نظری، 1377): 25241)، به این نکته اشاره دارد که هر چند روند شتابان شهرنشینی و پیامدهای مختلف آن به ویژه گسترش فیزیکی شهرها و بلعیدن اراضی زراعی پیرامون با عنایت به پدیده مهاجرت‌های روستایی در سطح کلان ملی از اهمیت والایی برخوردار می‌باشد، لیکن نباید از اهمیت این مسأله در نقاط روستایی غافل بود. هر چند ممکن است نمودهای عینی گسترش فیزیکی روستا به سبب کم جمعیت بودن و پراکندگی آن بسیار بطئی و کند بوده و چندان به چشم نیاید، اما به دلیل تعدد این نوع سکونتگاه‌ها در کشورمان، به ویژه در دشتهای جلگه‌های هموار که در فواصل اندکی از هم قرار گرفته‌اند خواهناخواه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهند بود. مقاله «سیر تحول روابط شهر و روستا در ایران» (نظریان 1364): 267283) به مسائل و مشکلات حاصل از حرکت انفجاری دائم‌التزاید شهرنشینی اشاره دارد، و بر تأثیرگذاری شهرها بر سرزمینها و آبادیهای اطراف خود (که اصطلاحاً روستا یا منطقه نفوذ شهری نامیده میشود) تأکید میکند. تجزیه و تحلیل روابط شهر و روستا که عامل مؤثر در توجیه و تبیین گسترش و تغییر ظاهری شهرها می‌تواند باشد، موضوع اصلی مقاله را تشکیل می‌دهد. «گسترش حومه‌های شهرها»، (سیفالدینی، 2002: 121379)، از جمله مقالاتی است که پدیده حومه‌نشینی¹ و الگوهای آن را که دستاورد فرایند کانونی نبودن (عدم تمرکز) است، بررسی میکند. مقاله دیگر در این زمینه، مقاله «دگرگونی روستاهای حاشیه شهرهای جدید صنعتی»، (سلیمانی، 127150: 1381) است که بر این موضوع اشاره دارد که تجمع واحدهای صنعتی در نزدیکی یا در حوزه نفوذ شهرها و مجتمع‌های زیستی موجود، همواره دگرگونیهای اقتصادی - اجتماعی و تغییرات کالبدی - فضایی و زیستمحیطی در مقیاس محلی و منطقهای به دنبال داشته است که این تغییرات از یک سو تابع ویژگیهای محیطی و توان طبیعی و مقتضیات تاریخی و اقتصادی - اجتماعی و نظام سیاسی حاکم بر کشور و منطقه است و از سوی دیگر به اهداف، اندازه، کارکرد و بویژه الگوی مکانیابی مجتمعها و شهرهای جدید در فضا باز می‌گردد. مقاله «شهرگرایی روستا و معیارهای تفکیک آن از شهر» (فشارکی 283299: 1364) به تغییرات گسترده در روش و

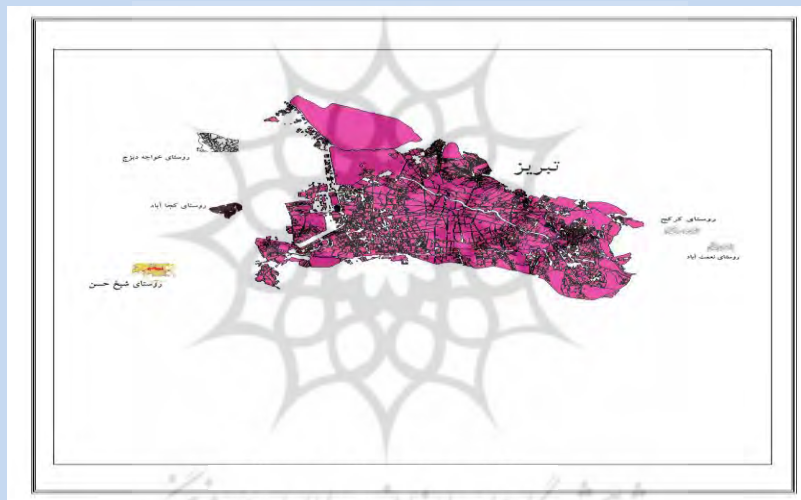
عادات مربوط به کار و زندگی روستائینان اشاره دارد و بیانگر این است که این تغییرات تمایز بین جوامع روستایی و شهری را بیش از پیش با ابهام و تیرگی مواجه ساخته است. در مقاله «شهر یا روستا، کدام یک؟» (رحمانی 1381، 127132)، مؤلف زمین‌های شکلگیری و روند تحولات تبدیل روستاهای بزرگ را به شهر مورد بررسی قرار داده است و تبعات آن را برشمرده است.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و توسعه‌های وروش بررسی آن توصیفی - تحلیلی میباشد. شالوده مطالعه مبتنی بر مطالعات میدانی (مشاهده مستقیم، تکمیل پرسشنامه‌های مختلف، مصاحبه با اعضای شورا و ریشسفیدان روستا) است و جهت به تصویر کشیدن تغییرات و تحولات صورت گرفته، از داده‌ها و تصاویر ماهواره‌ای (تصاویر چندزمانه‌های سنجنده TM و ETM+) مربوط به سالهای 1361 و 1382 بهره گرفته میشود. پس از انجام مطالعات مقدماتی، از میان روستاهای خوابگاهی کلانشهر تبریز، روستاهای خواجه دیزج و کجاآباد در غرب، روستای شیخحسن در جنوبغرب و روستاهای کرکج و نعمتآباد در شرق با موقعیتهای جغرافیایی متفاوت به لحاظ مکانی به عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار میگیرند و از آنجایی که کوه عونینعلی در شمال و تپه‌های موجود در جنوب شهر تبریز به عنوان عوامل محدودکننده توسعه فیزیکی شهر عمل میکنند، در این جهات نمونه‌های انتخاب نگردیده است. گفتنی است روستاهای مورد مطالعه، با استناد به نتایج سرشماریهای مختلف نفوس و مسکن، از میان آن تعداد از روستاهایی که در مقایسه با دیگر روستاها از افزایش جمعیت و نیز مهاجرپذیری قابل توجهی برخوردار بودند، انتخاب شده‌اند. در خصوص نمونه آماری و شیوه نمونه‌گیری نیز باید گفت که از مجموع 4867 خانوار ساکن در روستای مورد مطالعه (سال 1384) بر اساس فرمول کوکران 205 خانوار انتخاب و مورد مطالعه قرار میگیرند. خانوارهای نمونه با استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک و با توجه به اهداف مطالعه، عمدتاً از بخشهایی که در سالهای اخیر توسعه یافته‌اند انتخاب میگردند. چرا که مطالعات مقدماتی نشان داد که درونکوچان اغلب در حواشی و بیرون از بافت قدیمی روستاها اسکان یافته‌اند.

موقعیت جغرافیایی روستاهای مورد مطالعه

منطقه مورد مطالعه در استان آذربایجان شرقی و در شهرستان تبریز قرار گرفته است. شهر تبریز به عنوان مرکز استان و شهرستان و نیز به عنوان بزرگترین کلانشهر شمالغرب ایران با وسعتی حدود 131 کیلومتر مربع در موقعیت جغرافیایی 46/23 و 46/11 و طول شرقی 38/9 و 38/1 عرض شمالی با ارتفاع متوسط حدود 1340 متر از سطح دریا در جلگه‌های به همین نام واقع شده است. پنج روستای مورد مطالعه در جهات مختلف جغرافیایی و در جوار این شهر قرار گرفته‌اند (شکل شماره 1).



شکل شماره 1) موقعیت منطقه مورد مطالعه

بحث

در دهه‌های اخیر، رشد شتابان شهرنشینی و نیز وجود تأثیرات متقابل فضایی و روابط عملکردی بین کلانشهرها با نواحی پیرامونی، موجبات تغییرات عمده‌های در جوامع و بالاخص عرصه‌های روستایی حوزه نفوذ آنها گردیده است. افزایش جمعیت و به تبع آن تغییر ساختارهای کارکردی و کالبدی از جمله آنهاست. قبل از پرداختن به تشریح تغییرات کالبدی روستاهای مورد مطالعه به اختصار به ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی روستاها پرداخته میشود. به طوری که در جدول شماره 1 مشاهده میشود، جمعیت ساکن در

روستاهای مورد مطالعه پیوسته از روند صعودی برخوردار بوده است. به طوری که جمعیت روستای خواجهدیزج از 564 نفر در سال 1345 با متوسط 27 درصد رشد به 1582 نفر (28 برابر) در سال 1384 رسیده است. این افزایش، در روستای شیخحسن با متوسط 4/4 درصد رشد، از 478 به 289 نفر (6 برابر)، روستای کجاآباد با متوسط 2/4 درصد رشد از 2119 به 5687 نفر (2/7 برابر)، روستای کرکج با متوسط 6/6 درصد رشد از 610 به 7773 نفر (12/7 برابر) و روستای نعمتآباد با متوسط 3/3 درصد رشد از 648 به 2459 نفر (3/8 برابر) بوده است. در کل حداقل رشد سالانه جمعیت در روستای کجاآباد با 2/4 درصد و حداکثر رشد سالانه در روستای کرکج با 6/6 درصد صورت گرفته است.

بررسی روند تحولات خانوار نیز همانند تحولات جمعیت حاکی از روند افزایشی آن دارد. به گونهای که تعداد خانوار در روستای خواجهدیزج بین سالهای 1345 تا 1384 از 68 به 363 خانوار (5/3 برابر)، در روستای شیخحسن از 97 به 644 خانوار (6/6 برابر)، در روستای کجاآباد از 353 به 1418 خانوار (4 برابر)، در روستای کرکج از 102 به 181 خانوار (1/77 برابر) و در روستای نعمتآباد از 121 به 632 خانوار (5/2 برابر) افزایش پیدا کرده است. کمترین افزایش تعداد خانوار در روستای کجاآباد (4 برابر) و بیشترین تعداد در روستای کرکج (1/77 برابر) مشاهده میشود (همان جدول).

جدول شماره (1) تحولات جمعیتی در روستاهای مورد مطالعه طی سالهای 1345 تا 1384

سال	خواجهدیزج				شیخحسن				کجاآباد				کرکج				نعمتآباد			
	جمعیت	خانوار	بعد خانوار	نرخ رشد	جمعیت	خانوار	بعد خانوار	نرخ رشد	جمعیت	خانوار	بعد خانوار	نرخ رشد	جمعیت	خانوار	بعد خانوار	نرخ رشد	جمعیت	خانوار	بعد خانوار	نرخ رشد
1345	564	68	83	-	478	97	49	-	211	35	59	-	610	102	60	-	648	12	53	-
1355	697	103	66	21	668	130	51	34	314	51	60	39	80	144	56	28	71	12	56	1/04
1365	102	18	56	39	102	17	59	44	450	70	63	35	172	30	57	78	96	19	51	3/0
1375	129	28	46	24	128	24	53	23	512	103	49	1/3	401	84	47	88	118	25	46	2/04
1384	158	36	43	25	289	64	45	78	568	14	40	1/0	777	181	43	73	245	63	39	7/1

ماخذ: نتایج سرشماریهای نفوس و مسکن (1345-1375)

ماخذ: خانه بهداشت روستاهای (138)

نتایج مطالعه نشان می‌دهد که افزایش جمعیت و خانوار در روستاهای مورد مطالعه، علاوه بر رشد طبیعی جمعیت، با مهاجرپذیری روستاها نیز در ارتباط بوده است. بررسی داده‌های مربوط به تعداد مهاجردهی و مهاجرپذیری روستاها طی سالهای 1372 تا 1384 به این موضوع صحنه می‌گذارد. بنابه گزارش خانه بهداشت روستاهای مورد مطالعه^۱ تعداد مهاجردهی و مهاجرپذیری به ترتیب در روستاهای خواجهدیزج 410 و 592 (1372 تا 1384)، شیخحسن 131 و 138 (1384 تا 1386)، کجاآباد 90 و 1250 (1384 تا 1386)، کرکج، 236 و 736 (1384 تا 1386) و نعمتآباد 1214 و 1638 نفر (1374 تا 1384) بوده است. عللی چون: نزدیکی به کلانشهر تبریز و ارتباط تنگاتنگ با آن، ارزانی زمین و مسکن در آنها در مقایسه با شهر تبریز و نزدیکی به محل کار و فعالیت (عمدتاً کلانشهر تبریز) در مهاجرت به روستاها تأثیرگذار بوده‌اند. نکات قابل ذکر دیگر اینکه، اولاً: اغلب مهاجرین به صورت جمعی و خانوادگی به روستاهای مورد مطالعه مهاجرت کرده‌اند. ثانیاً: مبدا مهاجرت درصد بالایی از آنها را کلانشهر تبریز تشکیل می‌دهد (603 درصد). این میزان در روستاهای خواجهدیزج، شیخحسن، کجاآباد، کرکج، و نعمتآباد به ترتیب 500، 684، 692، 400 و 737 درصد می‌باشد. گفتنی است 814 درصد مهاجرین بعد از سال 1370 به روستاها مهاجرت کرده‌اند که از این میزان 474 درصد مربوط به مهاجرینی است که بعد از سال 1380 به روستاها مهاجرت کرده‌اند. و اما از نظر ویژگی‌های اقتصادی جمعیت، نتایج سرشماری سال 1375 نشان می‌دهد که، از کل جمعیت فعال روستاهای مورد مطالعه 872 درصد شاغل و 128 درصد بقیه بیکار بوده‌اند. این نسبت در سال 1384 به ترتیب 874 و 126 درصد را نشان می‌دهد. در این سال نسبت شاغلان در روستاهای خواجهدیزج، شیخحسن، کجاآباد، کرکج و نعمتآباد به ترتیب 867، 864، 871 و 903 بوده است (جدول شماره 2).

۱ - داده‌های مربوط به مهاجرفرستی و مهاجرپذیری برخی روستاها و از آن جمله شیخحسن، کجاآباد و کرکج به دلیل عدم درج اینگونه اطلاعات در پرونده‌های خانهای بهداشت صرفاً مربوط به سالهای 83 و 84 می‌باشد. با این حال نتایج مطالعات میدانی (تکمیل پرسشنامه از خانوارهای نمونه، مصاحبه با اعضا - شورا و ریشسفیدان روستا) و نیز ارقام مربوط به جمعیت و روند افزایشی آن، بر مهاجرپذیری روستاهای مورد مطالعه صحنه می‌گذارد.

جدول شماره 3) تعداد جمعیت 10 ساله و بیشتر و وضع فعالیت آنها در روستاهای مورد مطالعه (1375-1384)

روستاها	1375					1384				جمعیت	
	تعداد جمعیت دهساله و بیشتر		جمعیت شاغل		تعداد جمعیت دهساله و بیشتر		جمعیت فعال		جمعیت شاغل		
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد		درصد
خواجهدیزج	971	345	355	296	859	296	438	388	379	866	
شیخحسن	932	365	392	314	861	314	756	366	655	877	
کجاآباد	3763	145	386	1266	872	1266	4062	358	1254	864	
کرکج	3052	104	341	904	868	904	5182	332	1494	871	
نعمتآباد	885	296	346	266	899	266	1756	400	650	903	
جمع کل	9603	349	366	3049	878	3049	14195	5264	4601	874	

مأخذ: خانه بهداشت روستاهای مورد مطالعه

ارقام مندرج در جدول شماره 3 توزیع جمعیت شاغل روستاهای مورد مطالعه را بر حسب گروههای عمده فعالیت اقتصادی نشان میدهد. به طوری که مشاهده می شود در سال 1375 در روستای خواجهدیزج فعالیت کشاورزی با 782 درصد عمده فعالیت شاغلان روستا بوده است و بخشهای صنعت و خدمات به ترتیب با 160 و 5/8 درصد مجموع شاغلان روستا را به خود اختصاص دادهاند. بعد از یک دهه، تغییر قابل توجهی در توزیع میزان شاغلان روستا در بخشهای مختلف اقتصادی به چشم میخورد، چرا که درصد شاغلان در بخش کشاورزی تغییر عمدهای به خود دیده و از 782 درصد به 332 درصد کاهش یافته است و در مقابل بر سهم بخش صنعت (از 160 به 253) و بالخصوص خدمات (از 5/8 درصد به 415 درصد) افزوده شده است.

در روستای شیخحسن نیز همانند روستای خواجهدیزج تغییرات قابل توجهی در میزان شاغلان بخشهای مختلف اقتصادی اتفاق افتاده است. به گونهای که بین سالهای 1375-84 درصد شاغلان در بخش کشاورزی از 763 درصد به 336 درصد کاهش و سهم شاغلان بخش صنعت از 4/5 به 125 درصد و بخش خدمات از 192 درصد به 537 درصد افزایش پیدا کرده است.

در روستای کجاآباد طی سالهای مزبور، علاوه بر کاهش درصد شاغلان بخش کشاورزی، این کاهش در شاغلان بخش خدمات نیز اتفاق افتاده است. به عبارت دیگر در این روستا بیشترین افزایش در شاغلان بخش صنعت مشاهده میشود. به طوری که سهم شاغلان بخش کشاورزی از 235 درصد به 155 درصد و بخش خدمات از 455 درصد به 354 درصد کاهش و در مقابل سهم شاغلان بخش صنعت از 310 درصد به 491 درصد افزایش پیدا کرده است. نزدیکی این روستا به تأسیسات بزرگ صنعتی (اعم از پتروشیمی تبریز، پالایشگاه تبریز و کارخانههای متعدد صنعتی دیگر) و نیز رونق کارگاههای کوچک صنعتی در درون روستا دلیل عمده این تحول در روستا بوده است.

در روستای کرکج نیز سهم شاغلان در بخش کشاورزی (از 235 به 82 درصد) و بخش صنعت (از 278 به 195 درصد) کاهش و در مقابل در بخش خدمات از 407 درصد به 723 درصد افزایش نشان میدهد. نزدیکی این روستا به بزرگترین قطب جمعیتی، صنعتی و خدماتی شمال غرب کشور یعنی کلانشهر تبریز و ارتباط سریع و آسان روستا با شهر مزبور از طریق بزرگراه تبریز - بستانآباد و بویژه مهاجرت (درونکوچی) قابل توجه به آن، سبب این تغییرات بوده است.

در روستای نعمتآباد نیز، اگر چه در سهم شاغلان بخش کشاورزی تغییر قابل توجهی به چشم نمیخورد، لیکن درصد شاغلان بخش صنعت به نفع بخش خدمات کاهش پیدا کرده است. به طوری که سهم بخش صنعت از 505 درصد در سال 1375 به 284 درصد کاهش و در مقابل سهم بخش خدمات از 431 درصد به 642 درصد افزایش پیدا کرده است.

در کل همچنان که معلوم گردید، تغییر قابل توجهی در توزیع میزان شاغلان در بخشهای مختلف اقتصادی به وقوع پیوسته و اغلب، تعداد شاغلان در بخش کشاورزی به نفع دیگر فعالیتهای اقتصادی و بالاخص خدمات کاهش پیدا کرده است. از جمله عوامل تأثیرگذار بر این تغییرات، افزایش تعداد مهاجران (درونکوچان) مخصوصاً در دهه اخیر و نیز فعالیت اغلب آنها در بخش خدمات (کارگری، رانندگی، دولتی و...) میباشد. شایان ذکر است، از آنجایی که محل اشتغال بخش عمدهای از شاغلان درونکوچ (523 درصد) و

بومی (261 درصد) را کلانشهر تبریز تشکیل می‌دهد، لذا روستاها برای آنها نقش خوابگاهی ایفا می‌کنند. این امر تقریباً در تمامی روستاهای مورد مطالعه صدق میکند.

جدول شماره (3) شاغلان ده ساله و بیشتر در روستاهای مورد مطالعه بر حسب گروههای عمده اقتصادی 1375-1384

نوع فعالیت روستا	1384						1375							
	خدمات		صنعت		کشاورزی		تعداد شاغلین در بخش های مختلف اقتصادی	خدمات		صنعت		کشاورزی		تعداد شاغلین در بخش های مختلف اقتصادی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
خواجه دیزج	415	157	253	96	332	126	379	58	18	160	47	782	231	296
شیخ حسن	537	352	127	83	336	220	655	192	60	45	14	763	240	314
کجاآباد	354	445	491	617	155	194	1256	455	576	310	393	235	297	1266
کرکج	723	1083	195	292	82	123	1498	407	392	278	276	235	236	904
نعمتآباد	642	417	284	185	74	48	650	431	115	505	134	64	17	266
جمع	553	2454	287	1273	160	711	4438	382	116	283	864	335	102	3049

مأخذ: خانه بهداشت روستاهای مورد مطالعه

بهطور کلی مهاجرپذیری و به تبع آن افزایش سریع جمعیت و نیز تحولات صورت گرفته در نوع فعالیت اقتصادی ساکنان سبب گردیده است تا تغییرات عمده‌های در ساختار کالبدی روستاهای مورد مطالعه صورت پذیرد. بهطوری که ارقام مندرج در جدول شماره 4 نیز نشان می‌دهند، عمده تغییرات صورت گرفته به ترتیب اهمیت در کاربریهای زراعی، باغی بوده است به گونه‌های که از 71 واحد از 205 واحد مورد مطالعه (346 درصد) که اغلب دارای کاربری زراعی، باغی بوده‌اند، تغییر کاربری داده‌اند. علت این امر بالا رفتن ارزش زمین و تشدید ساخت و سازها در آنها بوده است. گفتنی است کاربریهای مزبور عمدتاً به کاربری مسکونی تغییر یافته‌اند. بهگونه‌های که میزان کاربری مسکونی از 600 درصد به 937 درصد تغییر پیدا کرده است. میزان تغییرات صورت گرفته در کاربری تجاری - خدماتی نیز از 3/4 به 4/3 درصد بوده است. حتی کاربریهای مسکونی - باغی و مسکونی - زراعی نیز به کاربری صرفاً مسکونی تغییر کاربری داده‌اند.

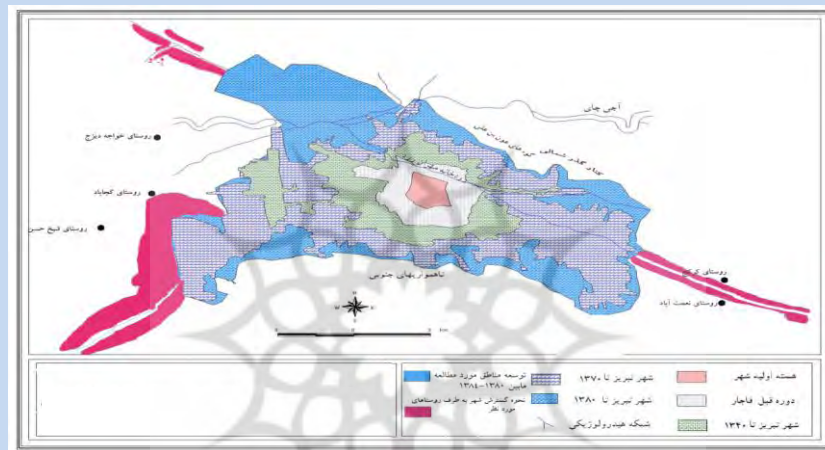
جدول شماره 4) توزیع درصد تغییرات صورت گرفته در کاربری واحدهای مورد مطالعه در کل روستاهای مورد مطالعه

تغییر کاربری		کاربری فعلی زمین		کاربری قبلی زمین		روستاها نوع کاربری
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
97.22	69	937	192	600	123	مسکونی
28	2	4/3	9	3/4	7	تجاری - خدماتی
-	-	1/0	2	1/0	2	کارگاهی - صنعتی
-	-	-	-	234	48	زراعی
-	-	1.0	2	1/0	2	مسکونی - زراعی
-	-	-	-	102	21	باغ
-	-	-	-	1/0	2	مسکونی - باغی
100	71	100	205	100	205	جمع

مأخذ: مطالعات میدانی

حال با استناد به تصاویر ماهواره‌های مربوط به سالهای 1382 و 1366 مقایسه آنها، به تشریح تحولات و تغییراتی که در ساختار کالبدی کلانشهر تبریز و نیز روستاهای مورد مطالعه صورت گرفته است، پرداخته میشود. گفتنی است در حال حاضر، گسترش فضایی و کالبدی کلانشهر تبریز عمدتاً در سه محور شرقی، شمالغربی و جنوبغربی صورت میپذیرد (شکل شماره 2). یکی از محورهایی که گسترش کالبدی کلانشهر تبریز در آن بهطور محسوس و چشمگیری صورت گرفته است، همان مسیر راه ارتباطی تبریز - تهران و به عبارت دیگر مسیری که دو روستا از پنج روستای مورد مطالعه یعنی روستاهای کرکج و نعمت آباد از آن متأثر میشوند. فعالیتهای متعدد اقتصادی اعم از صنعتی، تجاری و خدماتی در موازات این محور ارتباطی به صورت خطی شکل گرفته است. مسیر راه ارتباطی تبریز - صوفیان یکی دیگر از محورهایی است که توسعه فضایی - کالبدی شهر در آن صورت گرفته است. محوری که روستای خواجه دیزج از آن متأثر میگردد این بخش یکی از مستعدترین بخشهای توسعه فضایی شهر به شمار میرود. سومین محور، محور جنوبغرب در مسیر راه ارتباطی تبریز - آذرشهر میباشد. واگذاری بیرویه زمین از جانب سازمانها و ادارات مختلف، ساخت شهرکهای مسکونی و سرمایه‌گذاری در زمینه توسعه

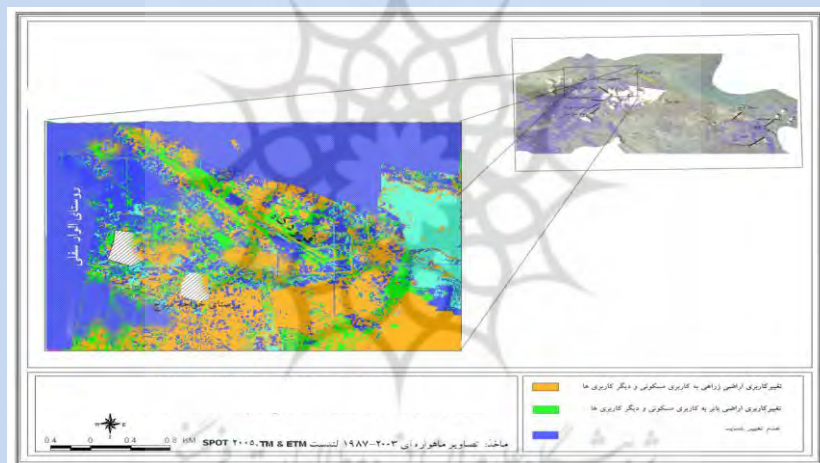
خدمات و تسهیلات شهری موجبات رشد و گسترش سریع و ناموزون شهر را در این محور فراهم نموده است. بورس بازی زمین و افزایش قیمت در این محور همانند دیگر محورها به نحو قابل توجهی، تغییرات کاربری زمینها و رشد ناموزون و نامتعادل شهر را در این منطقه تشدید کرده است. روستاهای کجاآباد و شیخحسن که در نزدیکی این محور ارتباطی واقع شدهاند، از رشد و توسعه کلانشهر تبریز تأثیرپذیری دارند.

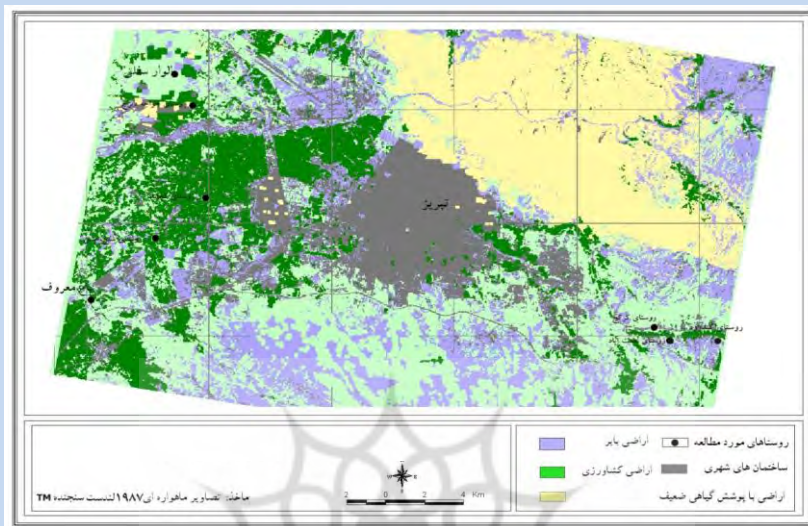


شکل شماره 4) روند گسترش شهر تبریز در امتداد شبکههای ارتباطی اصلی

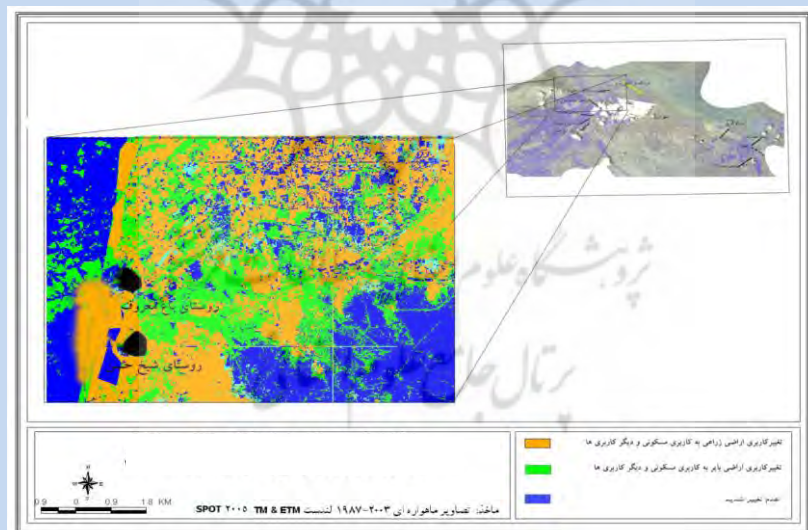
تصاویر 3 و 4 و مقایسه آنها با همدیگر، تغییرات صورت گرفته در حد فاصل کلانشهر تبریز و روستای خواجهدیزج را طی سالهای 1366 و 1388 نشان میدهد. به طوری که مشاهده میشود اراضی زراعی و بایر حد فاصل شهر تبریز و روستاهای مزبور به دیگر کاربریها اختصاص یافته و به زیر ساخت و ساز رفته است. این روستا هر چند در سطحی هموار و با توپوگرافی م-لایم و بدون هیچ عارضه طبیعی گسترش یاف -ته است و این گسترش در سالهای اخیر با توجه به افزایش جمعیت قابل توجه بوده است، لیکن به جهت وجود موانع انسان ساخت و از آن جمله کورهای آجرپیزی، کارگاهها و کارخانهها و به طور کلی سایتیهای بسیار متعدد صنعتی و نیز مزارع و باغات واقع در اطراف و نیز حد فاصل روستا با کلانشهر تبریز امکان ادغام آن با کلانشهر تبریز منتفی است.

روستای شیخحسن که از جمله روستاهای جلگه‌های و با توپوگرافی هموار می‌باشد، طی دوره‌های مختلف دارای توسعه ادواری بوده و بالاخص طی سالهای اخیر از گسترش کالبدی نسبی خوبی برخوردار گردیده است. عمده مانع توسعه این روستا نیز همانند روستای خواجهدیزج، موانع انسان ساخت و بویژه قرارگیری سایتهای صنعتی متعدد و بالاخص نیروگاه حرارتی تبریز در حد فاصل کلانشهر تبریز و روستای مزبور می‌باشد. مقایسه تصاویر شماره 4 و 5، تغییرات صورت گرفته را به وضوح نشان م‌دهد. به طوری که م‌شاهده می‌شود همانند دیگر روستاها اراضی بین تبریز و روستای مزبور به زیر ساخت و ساز رفته و شدیداً تغییر کاربری داده‌اند.





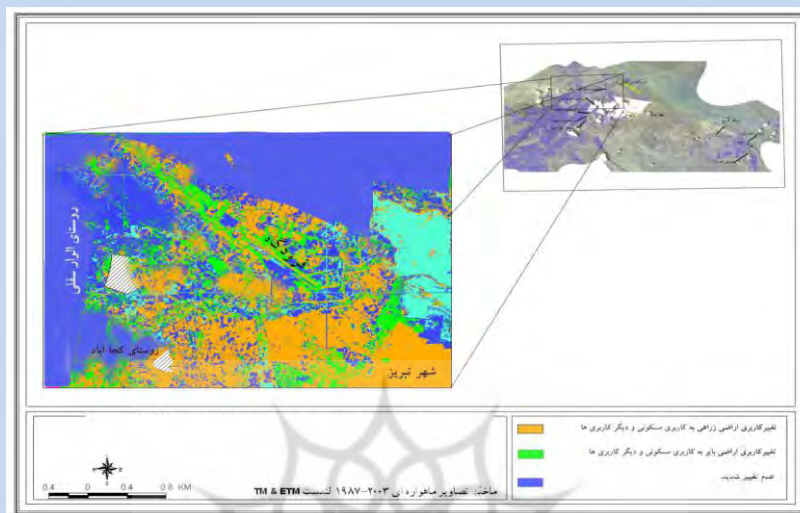
شکل شماره (۴) کاربری اراضی شهرستان تبریز در سال ۱۳۶۶



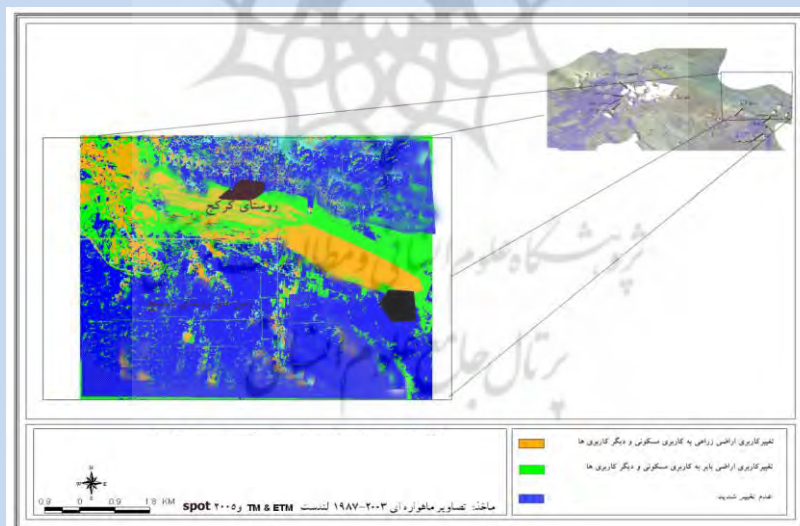
شکل شماره (۵) نقشه تغییرات کاربری اراضی حدفاصل کلانشهر تبریز و روستای شیخ حسن طی سال ۱۳۸۷-۱۳۶۶

روستای کجاآباد همانند روستاهای شیخحسن و خواجهدیزج، در سطحی مسطح و هموار استقرار یافته و به همین علت با هیچگونه مانع طبیعی و عوارض منشعب از آن در امر توسعه مواجه نمیباشد. همانند دیگر روستاهای مورد مطالعه واقع در غرب تبریز تنها مانع توسعه، قرارگیری سایتهای صنعتی متعدد اعم از پالایشگاه و پتروشیمی تبریز بالاخص در شمال شرق و کورههای آجرپزی در جنوب شرق روستا میباشد. گفتنی است قرارگیری تأسیسات و کارخانههای متعدد صنعتی آلاینده (بالاخص پالایشگاه، پتروشیمی، و نیروگاه حرارتی) در جوانب مختلف روستا، آلودگی بیش از حدی را برای روستا و محدوده اطراف آن تحمیل کرده است. تصاویر شماره 4 و 6 و مقایسه آنها با یکدیگر تغییرات صورت گرفته در حواشی روستا و حد فاصل آن با کلانشهر تبریز را نشان میدهد. تصاویر گویای قریبالوقوع بودن ادغام روستا با کلانشهر تبریز میباشد.

شرایط روستاهای واقع در شرق تبریز یعنی کرکج و نعمتآباد به لحاظ تغییرات عمده صورت گرفته در کاربری اراضی آنها چه در خود روستا و چه در اراضی حد فاصل روستاها به کلانشهر تبریز چندان تفاوتی ندارد؛ چرا که این روستاها نیز از لحاظ قرارگیری در بستر طبیعی تقریباً هموار و نیز برخورداری از درونکوچی شدید، تغییرات وسیع کاربری اراضی را به خود دیدهاند. به نحوی که روستای کرکج در سالهای اخیر از گسترش کالبدی قابل توجهی برخوردار شده و گسترش آن در شرق و نیز در امتداد جاده ارتباطی روستا که متصل به جاده ترانزیتی تبریز-تهران میباشد، بین سالهای 1375-82 از شدت بیشتری برخوردار گردیده است. گفتنی است اراضی واقع در جنوب روستا و نیز شرق جاده ارتباطی روستا به هنگام انجام مطالعات میدانی مراحل تفکیک را برای ساخت واحدهای مسکونی جدید طی میکرد. مقایسه تصاویر شماره 4 و 7 همانند دیگر روستاها، تغییرات شدید کاربری اراضی حد فاصل کلانشهر تبریز و روستای مزبور را به خوبی نشان میدهد.



شکل شماره (۹) نقشه تغییرات کاربری اراضی حفاصل کلانشهر تبریز و روستای شیخحسن طی سالهای ۱۳۸۱-۱۳۶۶

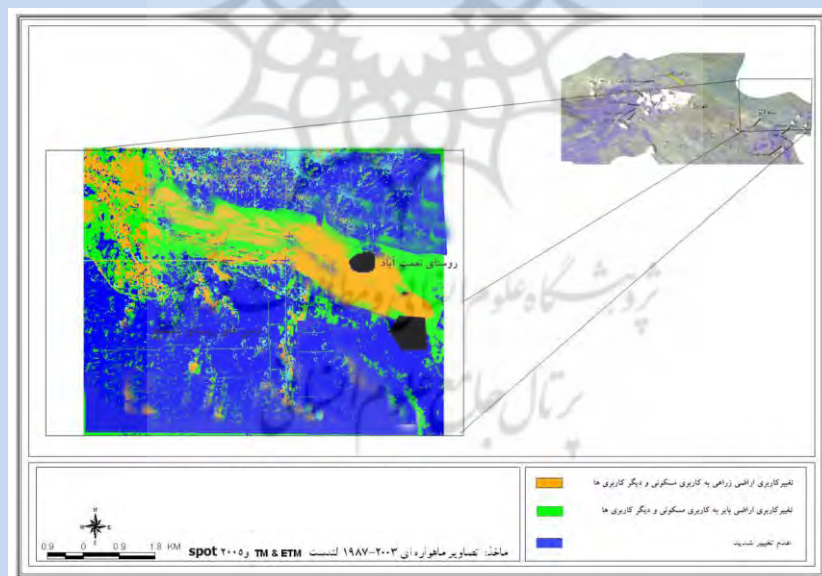


شکل شماره (۷) نقشه تغییرات کاربری حفاصل کلانشهر تبریز و روستای کرکج طی سالهای ۱۳۸۱-۱۳۶۶

روستای نعمت آباد مشرف به دشت تبریز بوده و بنا به موقعیت طبیعی، از سطح نسبتاً مسطح و از اراضی با شیب کم برخوردار می‌باشد. این روستا که عملاً به شهر باسمنج چسبیده است از جهات شرق و جنوب به ترتیب محدود به بافت شهر باسمنج و بلوار ورودی شهر باسمنج بوده و اراضی کشاورزی آن تنها در جهات شمال و غرب مهرانرود گسترده شده است.

روستا از نظر محدودیتهای توسعه در ضلع شمالی با محدودیت باغات و مسیل و در ضلع جنوبی با محدودیت راه ارتباطی تبریز- باسمنج و باغات موجود روبرو بوده و در سالهای اخیر با وجود اراضی بایر و خالی در روستا، خود را به سمت شرق و غرب گسترش داده است. شایان ذکر است با توجه به قرارگیری در کنار شهر باسمنج احتمال ادغام با این شهر بسیار قوی است.

تصاویر شماره 4 و 8 و مقایسه آنها با همدیگر، تغییرات صورت گرفته در حد فاصل کلانشهر تبریز و روستای نعمت‌آباد را به وضوح نشان می‌دهد به طوری که مشاهده میشود. اراضی حد فاصل روستا با کلانشهر تبریز کاملاً تغییر کاربری داده و به زیر ساخت و ساز رفته است.



شکل شماره 8) نقشه تغییرات کاربری حدفاصل کلانشهر تبریز و روستای نعمت‌آباد طی سالهای 1361 تا 1382

نتیجه‌گیری

نتایج مطالعات میدانی نشان داد که تعداد جمعیت روستاهای مورد مطالعه پیوسته از روند صعودی برخوردار بوده و مهاجرپذیری از جمله ویژگیهای آنها به‌شمار میرود. در امر مهاجرپذیری عواملی چون: نزدیکی روستاها به کلانشهر تبریز، ارزانی زمین و مسکن در روستاها در مقایسه با شهر تبریز و نیز نزدیکی به محل کار و فعالیت (عمدتاً کلانشهر تبریز) تأثیرگذار میباشد. به‌گونه‌ای که مبدأ مهاجرت درصد بالایی از مهاجران (603 درصد) و محل اشتغال بخش عمده‌ای از شاغلان درون‌کوچ (523 درصد) و بومی (261 درصد) را نزدیکترین شهر به روستاها یعنی کلانشهر تبریز تشکیل میدهد. در کنار عوامل فوق، تحولات صورت گرفته در نوع فعالیت اقتصادی ساکنان طی سالهای 1375-1384، یعنی کاهش 175 درصدی شاغلان بخش کشاورزی (از 335 به 160 درصد) و در مقابل افزایش 171 درصدی شاغلان بخش خدمات (از 382 به 553 درصد) نیز در تغییرات کالبدی روستاها نیز تأثیرگذار بوده است. شایان ذکر است تغییرات صورت گرفته در کالبد روستاها، اغلب در حواشی روستاها و با تغییر کاربری اراضی زراعی و باغی به دیگر کاربریها و عمدتاً کاربری مسکونی صورت گرفته است، به‌گونه‌ای که 71 واحد از 205 واحد مورد مطالعه (346 درصد) که اغلب دارای کاربری زراعی، باغی بوده‌اند با تغییر کاربری عمدتاً به کاربری مسکونی تغییر یافته‌اند. علاوه بر نتایج مطالعات میدانی، بررسی تصاویر مربوط به روند توسعه کالبدی روستاهای مورد مطالعه بین سالهای 1366-1388 نیز حاکی از توسعه کالبدی آنها و مخصوصاً در سالهای اخیر میباشد. به طوری که قبلاً نیز اشاره شد، متأسفانه یکی از تبعات منفی این تغییرات کالبدی، از بین رفتن زمینهای زراعی و باغات و تغییر کاربری آنها به نفع دیگر کاربریها و بویژه مسکونی بوده است. به‌طور کلی از آنجایی که اغلب مهاجران (درون‌کوچان) حواشی روستاها را برای ساخت و ساز و در نهایت اسکان خود انتخاب کرده‌اند، لذا این امر ضمن تغییر کاربری اراضی، گسترش کالبدی روستاها را به دنبال داشته است.

مقایسه تصاویر موجود نشانگر این است که تحولات ایجاد شده در توسعه فیزیکی روستاها و نیز کلانشهر تبریز زمینه مساعدی را برای ادغام آنها فراهم کرده است. توسعه

شهر تبریز در محورهای سه‌گانه و استقرار برخی از فعالیتها و تأسیسات مورد نیاز در اطراف این محورها و نیز رونق بورس بازی شدید زمین و تغییر کاربری اراضی حد فاصل کلان شهر تبریز و روستاهای مورد مطالعه، سبب گردیده است تا این زمینها به عنوان دنباله شهر زمینه مناسبی را برای گسترش آتی شهر فراهم کنند. شایان ذکر است، توسعه فیزیکی روستاهای مورد مطالعه که در نتیجه تغییر کاربری اراضی زراعی و باغی به کاربریهای دیگر و بالاخص مسکونی و نیز اشغال زمین متعلق به روستاهای مزبور واقع در حد فاصل شهر تبریز و روستاهای مختلف (کارخانها، کارگاهها، و صنایع کوچک دیگر چون تعمیرگاهها، سنگبریها و...)، شرایط را برای ادغام روستاها با شهر تبریز فراهم کرده است و می‌رود تا روستاهای مورد مطالعه و بالاخص روستاهای کرکج، نعمت‌آباد و کجاآباد، به عنوان جزئی از کالبد شهر تبریز به حساب آیند. علاوه بر موارد مزبور، شرایط محیطی و نبود محدودیت توپوگرافیکی قابل توجه نیز، قابلیت بالقوهای را در جهت توسعه و در نهایت ادغام آنها با یکدیگر فراهم میکند.

در پایان میتوان به این نکته اشاره کرد که، تغییر دیدگاههای اقتصادی از بخش کشاورزی به صنعت و خدمات و به عبارتی تحولات اقتصادی، اجتماعی منبعت از تغییر مناسبات شهر و روستا به صورت مجموعه‌های مرتبط با یکدیگر در تغییرات کالبدی روستاها مؤثر بوده‌اند و از آنجایی که تمامی این تحولات خود جوش و بدون برنامه‌ریزی صورت گرفته است، به نظر میرسد که در سالهای آتی روستاهای مورد مطالعه در این خصوص، دچار مشکلات و از آنجمله مشکلات زیستمحیطی بیشماری گردند.

منابع

- 1- رحمانی، بیژن و شیرازی، محمد رضا (1381)، «شهر یا روستا، کدام یک؟» *نشریه علوم زمین*، شماره‌های 8 و 9، دانشگاه شهید بهشتی.
- 2- رضوانی، علی اصغر (1382)، «*روابط مظهر شهر و روستا با تأکید بر ایران*»، دانشگاه پیام نور، تهران.
- 3- رهنمایی، محمدتقی (1369)، «توسعه تهران و دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی* شماره 16، صص 24-53.
- 4- _____ (1369)، «مجموعه مباحث و روشهای شهر سازی»، *جغرافیا*، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- 5- سلیمانی، مجید (1381)، «دگرگونی روستاهای حاشیه شهرهای جدید صنعتی»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره‌های 65-66، صص 127-150.
- 6- سیفالدین، فرانک (1379)، «گسترش حومه‌های شهرها»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره - های 58، 59، صص 200-212.
- 7- شکویی، حسین (1379)، «*دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*»، جلد اول، انتشارات سمت، تهران.
- 8- ظاهری، محمد (1386)، «*طرح تحقیقاتی: تحقیقی پیرامون آلودگی‌های خوابگاهی حوزه نفوذ کلانشهر تبریز*»، دانشگاه تبریز.
- 9- فشارکی، پریدخت (1375)، «*جغرافیای روستایی*»، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- 10- فشارکی، پریدخت (1364)، «شهرگرایی روستا و معیارهای تفکیک آن از شهر»، *مجموعه مقالات سمینار جغرافیایی شماره 1*، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد.
- 11- مرکز آمار ایران (1345)، نتایج سرشماری نفوس و مسکن.
- 12- مرکز آمار ایران (1385)، نتایج سرشماری نفوس و مسکن.

- 13- نظری، عبدالحمید (1377)، «بررسی گسترش فیزیکی - کالبدی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر افزایش جمعیت و تغییر کاربری اراضی»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره پیاپی 49 و 50 صص 225241.
- 14- نظریان، اصغر (1370)، «گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرک‌های اقماری»، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره 1، صص 117124.
- 15- نظریان، اصغر (1364)، «سیر تحول روابط شهر و روستا در ایران»، *مجموعه مقالات سمینار جغرافیایی شماره 1*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
- 16- هدایت، محمود (1364)، «گسترش شهر اصفهان»، *مجموعه مقالات سمینار جغرافیایی شماره 2*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
- 17- Bonnamour, J., (1973), *Geographic Rurale , Methodes et Perspectives du Geographie Applicable*, Masson Paris, P 25.

